

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینۀ ایران

فرستنده: مناف فلکی فر

۱۹ می ۲۰۱۹

آنچه از تجمعات اول ماه می امسال می توان آموخت!

رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی که در وحشت از رشد و گسترش مبارزات کارگران همواره مانع از برگزاری آزادانه مراسم اول ماه می توسط کارگران مبارز در ایران شده است، امسال نیز در پی سیاست ضد انقلابی خود علیه کارگران، به هر تلاشی جهت ممانعت از برگزاری روز کارگر در یازده اردیبهشت [ثور] امسال دست زد. این رژیم که در حمایت از سرمایه داران، آشکارا نیروهای مسلح خود را برای سرکوب کارگرانی که تنها خواستار دریافت دستمزدهای پرداخت نشده شان می باشند، به خیابان ها و کارخانه ها اعزام کرده و پیشروان کارگری را دستگیر و روانه زندان می کند، در پرتو تشدید عملکردهای ستمگرانه و سرکوبگرانه و اعمال دیکتاتوری قهر آمیز اخیر خود علیه کارگران، امیدوار بود امسال در روز جهانی کارگر از هرگونه تجمع کارگری جلوگیری نموده و سکوت قبرستانی دلخواه خود را در جامعه حاکم سازد. چرا که این رژیم و سرمایه داران زالو صفت حامی آن بخوبی از ابعاد خشم و نفرت طبقه کارگر ایران علیه شرایط جهنمی که استثمارگران حاکم برایشان درست کرده اند، آگاهند و می دانند که رشد و گسترش مبارزات کارگران ایران و شورش گرسنگان چه آینده تاریکی را برای این ها درست خواهد کرد.

اما به رغم همه سرکوب های ددمنشانه جمهوری اسلامی، امسال نیز در روز جهانی کارگر از گوشه و کنار کشور فریادهای مبارزاتی کارگران و اعتراض آنها برای ضرورت تغییر شرایط برده وار زندگی شان به گوش عموم رسید. در ۱۱ اردیبهشت [ثور]، به طور برجسته ما شاهد تجمعات کارگری در تهران و سمنان و شوش بودیم. آنچه در این تجمعات بیش از هر چیز جلب توجه می کرد شکل گیری روحیه مبارزاتی جدید و ارتقای آگاهی انقلابی در کارگران بود که در درجه اول در شعارهای سر داده شده در این تجمعات انعکاس یافته بود. چه این امر و چه نفس برگزاری تجمع در زیر سلطه دیکتاتوری هار جمهوری اسلامی نشان داد که قیام های شکوهمند دی ماه [جدی] ۱۳۹۶ از یک طرف و مبارزات وقفه ناپذیر کارگران و ستمدیدگان در سال گذشته چه تأثیری در تغییر فضای جامعه داشته اند. ارتقای آگاهی مبارزاتی کارگران را می شود در فریاد شعارهایی چون "بیکاری، استثمار، منطق سرمایه دار"، "فرصت های شغلی و دستمزد برابر برای زنان" و "نان، کار، آزادی، اداره شورائی" که در تجمعات کارگری روز جهانی کارگر نیز سر داده شد، ملاحظه نمود.

هر چند آگاهی ارتقاء یافته امروز کارگران ایران هنوز به معنای رواج کامل ایده های سوسیالیستی در میان آنان نیست؛ ولی طرح چنان شعارهایی و مبارزه برای تحقق آنها هر چه بیشتر ماهیت دیکتاتوری حاکم را به آنان شناسانده و بیش از پیش ضرورت مبارزه برای شکاف انداختن در سد این دیکتاتوری جهت رشد و اعتلای هر چه بیشتر مبارزات کارگری را به کارگران ما خواهد آموخت؛ و بیش از پیش نشان خواهد داد که اگر پیشروی مبارزات موجود، مستلزم ایجاد شکاف در دیکتاتوری و تضعیف آن به نفع رشد مبارزات انقلابی در جامعه است این امر در اساس با در پیش گرفتن راه مبارزه مسلحانه امکان پذیر می باشد.

رژیم ضدکارگر جمهوری اسلامی که تحمل حتی تجمع مسالمت آمیز کارگران را هم ندارد در روز کارگر، به تجمع کارگران در مقابل مجلس شورای اسلامی در تهران یورش برد و در این روز نزدیک به پنجاه نفر از تظاهر کنندگان از جمله تعدادی از کسانی که به عنوان فعالان کارگری شناخته شده اند توسط نیروهای سرکوبگر دستگیر شدند. چند روز قبل از فرا رسیدن روز جهانی کارگر نیز سربازان گمنام امام زمان در راستای همان سیاست سرکوبگرانه، برای ایجاد خفقان و رعب بیشتر در میان کارگران عاصی و ترساندن توده ها، تعدادی از فعالان کارگری شناخته شده که احتمال داده می شد که جهت برگزاری تظاهرات روز کارگر اقدام نمایند را بازداشت نموده بودند. شکی نیست که جمهوری اسلامی با اعمال دیکتاتوری و انجام چنین برخوردهای ننگین و رسوائی، تنها به کارگران مبارز و همه توده های ستمدیده و رزمنده ایران بار دیگر ثابت می کند که زبانی جز زبان زور نمی شناسد و نشان می دهد که تنها با اعمال زور انقلابی می توان به طور جدی و کارساز به مقابله با این رژیم ددمنش برخاست.

برگزاری جشن ها و تجمعات و متینگ های کارگری در روز کارگر چه از لحاظ تعداد شرکت کنندگان و چه از لحاظ حد سازماندهی و حد عزم تظاهرکنندگان همواره معیاری جهت ارزیابی شرایط مبارزاتی کارگران و حد تشکل و رزمندگی در صفوف آنها بوده است. بنابراین با نگاهی به حد و کیفیت تجمعات کارگری در روز کارگر امسال می توان تصویر روشنی از شرایط کار و زندگی و مبارزه کارگران به دست آورد. امری که بروشنی نشان می دهد بورژوازی ایران به کمک سگ نگهبانش جمهوری اسلامی، با حربه دار و شکنجه و زندان، چگونه جلو تشکل یابی کارگران را گرفته و از سازمانیابی آنها جلوگیری نموده و فقدان تشکل و پراکندگی را به واقعیت موقعیت کارگران در چهار دهه اخیر بدل ساخته است. پراکندگی دردناکی که در شرایط سلطه دیکتاتوری حتی امکان برگزاری آزادانه جشن روز جهانی کارگر را هم از طبقه کارگر سلب نموده است.

تجربه نشان داده است که کارگران برای رسیدن به نان و کار و آزادی، چاره ای جز این ندارند که قبل از هر چیز با اتخاذ ستراتیژی که نابودی نظم ظالمانه حاکم و رژیم حامی اش را نشانه رود دست به انجام تاکتیک هایی بزنند که لازمه این ستراتیژی می باشد. واقعیت این است که بورژوازی ایران و رژیم حامی اش در چهل سال گذشته برای رسیدن به موقعیت فعلی و حفظ آن از هیچ جنایتی فروگذاری نکرده اند. آنها در عمل جنگی خونین را بر طبقه کارگر و پیشروان و سازمان های مدافعش تحمیل کرده اند که از یک جنگ داخلی هیچ کم ندارد. جنگی نابرابر که طی آن جنایتکاران حاکم بیشرمانه "هل من مبارز" می طلبند. توده های مبارز ایران و در رأس آنها کارگران رزمنده و آگاه می توانند با جنگ انقلابی خود علیه دشمنانشان، این جنگ نابرابر را در راستای پیروزی خود تغییر جهت دهند. توازن قوای کنونی را اساساً می توان در بستر سازماندهی مسلح توده ها تغییر داده و نابرابری موجود را با اعمال رهبری طبقه کارگر بر مبارزات سیاسی و نظامی کارگران و ستمدیدگان به برابری تبدیل نمود و

مبارزات متنوع جاری در جامعه را با ستراتیژی جنگ مسلحانه توده‌ئی در جهت برتری بر دشمن و نابودی آن به پیش برد.

سرکوب و بگیر و ببند کارگران و فعالان کارگری در اول ماه مه امسال بار دیگر این واقعیت را یادآوری می‌کند که تنها با مبارزه برای نابودی جمهوری اسلامی و قطع قطعی هر گونه نفوذ امپریالیستها در ایران امکان تحقق نان و کار و آزادی و همه مطالبات کارگران مهیا می‌گردد و تنها در این بستر است که کارگران امکان می‌یابند در شرایطی دمکراتیک، روز جهانی خود را جشن بگیرند.

به نقل از: ماهنامه کارگری، ارگان کارگری چریکهای فدائی خلق ایران
شماره ۶۴، پانزدهم اردیبهشت ماه [ثور] ۱۳۹۸